

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

گفت و شنود

از تیر مژه ساخته خنجر چه میکند
گفتم لب ت به خون دلم تر چه میکند
گفتم ز خون دل زده ساغر چه میکند
یک بوسه ام که هست مقدر چه میکند
گفتم حلال هست و مقرر چه میکند
گر سر خورد بمن، بدل و سرچه میکند
با خون تو، بگفتمش آخر چه میکند
کاسباب عشق نیست برابر چه میکند
این حرف بر زبان تو دلبر چه میکند
خاکسترت به باد شد، اخگر چه میکند
گردد اگر لب تو برابر چه میکند
این تلخی زبان مکرر چه میکند
دل را که کرده است مسخر چه میکند
برگشته چشم من ز تو بنگر چه میکند
سازد رها ز چنگ تو، دیگر چه میکند
عاقب ازین معامله بهتر چه میکند

گفتم دو چشم مست تو دلبر چه میکند
گفتا که تیر مژه من آفت دل است
گفتا لبم به خون تو آلوده کی شود
تو نام من به لب ز تکیر نمی بری
گفتا حرام باد ترا بوسه از لبم
گفتم دو ابروی تو که تیغی است آبدار
گفتا که حیف اگر شود آلوده تیغ من
گفتا رها کن آخر ازین ماجرا مرا
گفتم سرم فدای تو اسباب عشق چیست
گفتا تو حرف عشق به پیرانه سر مزین
گفتم به اخگری که نهفته است در دلم
گفتا چه تلخ ساخته ای خاطر مرا
گفتم اگر رها کنم آن زلف عنبرین
گفتا دل از تو کنده ام آزار من مکن
گفتم فدای چشم تو گردم اگر مرا
دیدم خموش ماند ز گفت و شنود من

آن سنگدل «اسیر» اگر دشمنی کند

دنیا گذشتنی است به محشر چه میکند

(م. نسیم «اسیر» - شهر بن - المان، نومبر 1999 م)